**جهر وهمس**

**جهر در لغت به معنای آشکار بودن و آواز بلند و در تجوید عبارت است از : صوت حاصل از ارتعاش تارهای صوتی. حروفی که دارای صفت جهر هستند عبارتند از:  
ءـ ب ـ ج ـ دـ ذـ رـزـض ـ ط ـ ظ ـ ع ـ غ ـ ق ـ ل ـ م ـ ن ـ و ـ ی .  
«همس» در لغت به معنی «صدای آهسته و مخفی بودن» آمده است و در اصطلاح تجویدی عبارت است از «بی بهره بودن حرف از صوت جهری به سبب عدم ارتعاش تارهای صوتی». حروفی که دارای صفت همس است ده حرف است که در عبارت « فَحَثَّهُ شَخصٌ سَکَت» جمع آمده‌ است. همانگونه که در بالا ذکر شد بقیۀ حروف دارای صفت جهر هستند. برای تشخیص حروف مجهور و مهموس می توان نوک انگشت را بر روی برآمدگی جلوی گردن که به سیب آدم معروف است گذاشته و حرف را تلفظ نمود. در صورت احساس ارتعاش تارهای صوتی در زیر انگشت حرف مجهور و در غیر این صورت مهموس است.**

**شدة و رخوة**

**«شدة» در لغت به معنای «قوت» و در اصطلاح تجوید به معنای «انسداد کامل صوت در مخرج حرف» است. در این حروف اگر گیرش مخرج حرف برطرف نشود حرف تلفظ نخواهد شد. مثال: ربِّ، بَرَزوا، أرباب.  
این حروف هشت حرفاست که عبارتند از: ء، ج، د، ت، ط، ب، ق، ك، که در عبارت (أجدت طبقك) گرد آمده است.  
«رخوة» در لغت به معنای «سستی» و در اصطلاح تجوید عبارت است از: جریان کامل صوت در مخرج حرف.  
در حروف رخوة با وجود گیرش صدای حرف می تواند امتداد یابد.**

**توسط**

**دانشمندان علم تجوید از حالتی بین شدة و رخوة در تعدادی از حروف سخن گفته‌اند که از ریزنگری و دقت علمای مسلمان در قرون اولیۀ اسلام حکایت دارد. پنج حرف (ل، ن، ع، م، ر) که در عبارت «لن عمر» گرد آمده است دارای صفت توسط است. از ویژگی های جالب توجه حروف توسط در تلاوت قرآن می توان به خاصیت تحریر پذیری آن اشاره کرد.**

**اصمات و اذلاق**

**«اصمات» در لغت به معنای «خاموش کردن و ساکت نمودن» و در اصطلاح تجوید عبارت است از: سنگین و سخت تلفظ شدن حرف و امتناع آن از سهولت در تلفظ. غیر از حروف اذلاق باقی حروف از حروف اصمات است.   
«اذلاق» در لغت به معنای «تیز کردن و بی آرام کردن» و در اصطلاح تجوید عبارت از سرعت و سهولت تلفظ حروف است. حروف اذلاق شش حرفاست که در عبارت «فرَّ من لبّ» گرد آمده است. واقعیت این است که این دو صفت هیچگونه کاربرد عملی در تجوید ندارد و حتی برخی از علمای تجوید نامی از این دو صفت در آثارشان نیاورده‌اند.**